

Research Article

A Study of the Function of Art (Performing Arts and Images) in Propagating Religion from the Viewpoint of the Quran

Kavos Rohi Barandagh

Abstract

Some of the words and compounds of the Qur'an are considered difficult words or compounds to find, one of the difficult compounds to find is the combination of "Arayat" and its branches, which have semantic complexity. This research, with the aim of analyzing and evaluating the compound "Arayata" and its branches based on morphological, syntactic, rhetorical and interpretive criteria, has researched the cases of the use of this compound in the Qur'an and has reached the conclusion that the only correct meaning of this compound and its branches are used in all styles of this combination in the Holy Qur'an as an expression of accompanying the interrogative and Kaf al-Khattab, or only the interrogative, a guaranteed meaning composed of "to inform" and "to know" from the verbs of hearts: "Tell me news/ news" Do you pay any attention?!" and its interpretation and translation means "Did you see?" Or the figurative meaning of the first "Did you know?" And other interpretations similar to it in the length or breadth of the mentioned meaning, or simply the meaning of "informative" will be contrary to the understanding of Arabic linguists and indefensible.

Keywords: The article "Rai", "Arait" and its sub-sections, Surprise, "Informative"

Associate Professor, Department of Quran and Hadith Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

Correspondence Author: Kavos Rohi Barandagh

Email: k.roohi@modares.ac.ir

DOI: [10.30495/QSF.2022.1955839.2841](https://doi.org/10.30495/QSF.2022.1955839.2841)

Receive Date: 02.04.2022

Accept Date: 10.09.2022

ارائه چارچوبی برای تفسیر و برگردان اسلوب «أرأیت» و فروع آن در قرآن کریم؛ تحلیل ادبی، بلاغی و تفسیری

کاوس روحی برندق

چکیده

پاره ای از واژگان و ترکیب های قرآنی، از واژگان یا ترکیب های دشوار یاب به شمار می آیند، یکی از ترکیب های دشواریاب، ترکیب «أرأیت» و فروع آن است که دارای پیچیدگی معنایی است. این پژوهش با هدف تحلیل و ارزیابی ترکیب «أرأیت» و فروع آن بر اساس معیارهای صرفی، نحوی، بلاغی و تفسیری، موارد کاربرد این ترکیب در قرآن را مورد پژوهش قرار داده و به این نتیجه دست یافته است که تنها معنای صحیح این ترکیب و فروع آن در تمامی اسلوب های مورد کاربرد این ترکیب در قرآن کریم به قید همراهی با همزه استفهام و کاف خطاب و یا فقط همزه استفهام، معنای تضمینی مرکب از «أخبرنی» و «علمت» از افعال قلوب: «به من خبر ده/ خبر دهید/ آیا هیچ توجه کرده اید؟!» است و تفسیر و برگردان آن به معنای اصلی «آیا دیدی؟» و یا معنای مجازی اول «آیا دانستی؟» و تعبیر دیگر مشابه آن در طول یا عرض معنای یاد شده، و یا صرف معنای «أخبرنی» بر خلاف فهم زبان دانان عربی و غیر قابل دفاع خواهد بود.

واژگان کلیدی: ماده «أرأیت»، «أرأیت» و فروع آن، تعجب، «أخبرنی»

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

ایمیل: k.roohi@modares.ac.ir

نویسنده مسئول: کاوس روحی برندق

DOI: 10.30495/QSF.2022.1955839.2841

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۳

مقدمه و بیان مسئله

ترکیب «أرأيت» و فروع آن، یکی از ترکیب های دشواریاب قرآن کریم است که به صورت های مختلف - «أرأيت»، «أفرأيت»، «أرأيتک»، «أرأيتکم»، «أرأيتکم»، «أرأيتکن»، «أرأيتم» - در قرآن کریم به کار رفته است. ریشه پیچیدگی ترجمه این تعبیر که در دو یا چند معنا کاربرد دارد، صرفاً در این خلاصه نمی شود که در هر کاربرد، به مناسبت مورد، در معنای حقیقی کاربرد دارد؛ و یا در معنای مجازی، بلکه حقیقت این است که در پاره ای از مشتقات «رأی»، که از آن جمله ترکیب «أرأيت» است، این احتمال تقویت می شود که معنای حقیقی به کلی مهجور شده و معنای مجازی جانشین آن شده است. بر این پایه، این مقاله در صدد است ترکیب «أرأيت» و فروع آن را از این جهت مورد پژوهش قرار دهد که در خصوص موارد کاربرد آن در قرآن کریم، معنای حقیقی اصطلاحاً به یک معنای منقول (که در آن معنای اول بکلی مهجور می گردد) تبدیل شده است؛ و یا اینکه معنای مجازی در ضمن معنای حقیقی لحاظ (تضمین) شده است. نتیجه این دو رویکرد این خواهد بود که در صورت دوم، باید آیات قرآن به گونه ای تفسیر شود که معنای حقیقی و مجازی توأمان لحاظ گردد؛ و در صورت اول، به دلیل اینکه معنای حقیقی مهجور شده و به معنای دیگر منقول شده است، باید صرفاً معنای دوم در تفسیر و برگردان آیات به زبان دیگر مورد توجه قرار گیرد. روشن است در این صورت انتقال معنای نخست در تفسیر صحیح نخواهد بود؛ زیرا این گونه تفسیر، تفسیری است که مراد گوینده نیست.

درباره موضوع مقاله، دو پژوهش زیر انجام شده است: الف) مقاله «أرأيت» و فروعها: دراسته لغوی، نوشته دکتر عبدالله بن حمد الدایل، به چاپ رسیده در مجله جامعه أم القرى، شماره ۲۳، ب) أرأيت في القرآن الكريم بين الدلالة النحوية و السياق القرآني، نوشته محمد حسین، باسم، به چاپ رسیده در مجله کلیه الآداب دانشگاه بغداد، شماره ۱۱۳. مقاله نخست به تحلیل صوتی، صرفی، نحوی و بلاغی اختصاص دارد و مقاله دوم به تحلیل گزینشی چند آیه پرداخته است و نتیجه آن به لحاظ اینکه در یک تحقیق یا باید تمامی افراد جامعه آماری بررسی گردد و یا افراد گزینش شده بر اساس الگوهای نمونه گیری گزینش گردد، یک تحقیق علمی که بتوان از مطالعه موردی نتیجه را به تمامی افراد سرایت داد، به شمار نمی آید. از این رو در تحقیق حاضر تمامی افراد جامعه آماری مورد تحقیق قرار گرفته است.

در هر حال، این مقاله درصدد است پس از ابهام زدایی از معنای این ترکیب با استفاده از مباحث صرفی، نحوی و بلاغی، مفهوم این ترکیب را در آیات قرآن و کتب تفاسیر مورد ارزیابی قرار داده و الگو معنایی درست برای ترجمه تبیین معنای آن ارائه دهد. توضیح اینکه ماده «رأی» که در قالب مشتقات گوناگون - شامل ۳۲۸ مورد در ۷۲ سوره و ۲۹۷ آیه - در قرآن کریم به کار رفته است، (عبد الباقی، ۱۹۹۲: ۳۵۸-۳۵۷) در مواردی در معنای دیدن به معنای حقیقی که عبارت از دیدن به وسیله چشم کاربرد دارد، و در مواردی در معنای مجازی که عبارت از بصیرت، دانستن و آگاهی پیدا کردن است (ابن فارس، ۱۹۸۴: ۴۷۲/۲؛ مصطفوی، بی تا: ۱۱/۴) به کار رفته است. بررسی تمامی مشتقات ماده «رأی» مطمح نظر این مقاله نیست، لذا از تحلیل، مقایسه و نقد این دیدگاه ها به ویژه در موارد استشهاد به آیات برای هر یک از معانی ذکر شده خودداری نموده و فقط به آیه ای که ترکیب «أرأيت» در آن به کار رفته بسنده می

کنیم. بدین ترتیب، موضوع بحث این مقاله خصوص تعبیر «أرأیت» و فروع آن است که در میان انواع مشتقات ماده «رأی» یکی از موارد کاربرد این ماده است که در قرآن کریم به صورت های گوناگون به کار رفته است و در این میان ترکیب «رأیت» به تنهایی آن گونه که در آیات دسته نخست آمده، به آسانی معنایی می شود و به معنای دیدن است و با هیچ اشکالی از نظر معنا و ترجمه مواجه نیست، اما مفهوم این ترکیب آن گاه که همراه با همزه استفهام می آید: «أرأیت» چنانکه در آیات دسته دوم تا چهارم مشاهده می شود و نیز آنگاه که ترکیب «أرأیت» و فروع آن به لحاظ اینکه بین ضمیر «ت» و «ک» که هر دو بر مخاطب دلالت دارند، در یک ترکیب جمع شده است، چنانکه در دسته پنجم تا هفتم مشخص است، با مشکل معنایی روبرو است، که در ادامه پس از بررسی معنای آن از نظر صرفی، نحوی و بلاغی، به معنای تفسیری آن خواهیم پرداخت.

واکاوی مفهوم «أرأیت» و فروع آن از نظر صرفی، نحوی و بلاغی

اگرچه برخی از نحویان تلاش کرده اند بین معنای «أرأیت» با همزه و بدون آن فرق بگذارند و «أرأیت» بدون همزه را به معنای دیدن و همراه با همزه را به معنای «به من خبر ده» حمل و معنا کنند (فراء، ۱۹۸۳: ۳۳۳/۱) لیکن این نظر با مخالفت دیگر نحویان و نیز دانشمندان لغت و مفسران مواجه شده و بر اینکه در برخی موارد بدون همزه نیز به معنای «به من خبر ده» است تأکید شده است. (ثعلب، ۱۹۴۹: ۲۶۰/۱؛ ازهری، ۱۹۷۶م: ۳۲۱/۱۵؛ طبری، ۱۹۸۸م: ۱۹۰/۷). در هر حال، «ت» در این ترکیب ضمیر مخاطب فاعلی است ولی در این ترکیب (فارغ از معنای فاء در «أرأیت» و «أرأیتُم» که عطف است) هرگز به عنوان ضمیر مخاطب که به اختلاف مخاطب تغییر کند، به کار نرفته است، لذا هیچگاه - به واسطه تغییر مخاطب به صورت مفرد، مثنی، جمع و مذکر و مونث (فراء، ۱۹۸۳: ۳۳۳/۱؛ ثعلب، ۱۹۴۹: ۲۵۹/۱) - این صیغه تغییر نمی کند، برخلاف «ک» موجود در صیغه «أرأیت» که با توجه به تغییر مخاطب در تغییر است و نحویان در باره آن («ک») اختلاف نظر دارند. به این صورت که: (۱) عموماً آن را حرف خطاب به شمار آورده و فلسفه وجودی آن را تأکید کلام ذکر می کنند. (اخفش، ۱۹۸۵م: ۴۸۸/۲، ۴۸۹؛ میرد، بی تا: ۲۰۹/۳، ۲۱۰، ۴۰/۱، ۲۷۷/۳؛ زجاج، ۱۹۸۸م: ۲۷۰/۲، ۲۷۱، ۲۴۹/۳؛ نحاس، ۱۹۸۵م: ۶۶/۲، ۴۳۲؛ زمخشری، بی تا: ۱۳/۲، ۳۶۶؛ عکبری، ۱۹۷۶م: ۴۹۵/۱؛ ابن هشام انصاری، ۱۹۷۹م: ۲۴۰؛ ۲) برخی دیگر «ک» را ضمیر مفعولی و محلاً منصوب به شمار می آورند. (ثعلب، ۱۹۴۹م: ۲۶۰/۱؛ طبری، ۱۹۸۸م: ۱۹۰/۱، ۱۹۱؛ ۳) عده ای دیگر آن را حرف خطابی می دانند که از حالت مفعولی به معنای فاعلی تغییر حالت داده است. (فراء، ۱۹۸۳م: ۳۳۳/۱).

لیکن دیدگاه سوم شدیداً مورد اعتراض نحویان قرار گرفته است. (زجاج، ۱۹۸۸م: ۲۴۶/۲؛ نحاس، ۱۹۸۵م: ۶۶/۲ و زمخشری، بی تا: ۱۳/۲؛ حلبی، ۱۹۸۷م: ۶۲۱/۴). به نظر می رسد دلیل اعتراض نحویان، غیرموجه و بی نظیر بودن تغییر حالت مفعولی به فاعلی است که اعتراضی بحق است، اما در ارزیابی دیدگاه نخست (حرف تأکید) و دیدگاه دوم (ضمیر مفعولی) می توان دیدگاه اول را که دیدگاه عموم نحویان است ترجیح داد؛ زیرا: (۱) حرف خطاب در موارد مشابه این ترکیب نیز رایج است؛ (۲) اقتضای

دیدگاه دوم این است که فعل «أرأيت» با توجه به اینکه بعد از آن معمولاً مفعولی ذکر می شود، دو مفعولی باشد، که در این صورت یک معنای ناهنجار از این ترکیب ارائه خواهد شد، به این صورت که «آیا دیدی یا دیدید (با توجه به اختلاف مخاطب از مفرد، مثنی و جمع و مذکر و مؤنث) خود را که ...» که «خود را» بنا بر دیدگاه دوم در این معنا نقش مفعول را بازی می کند و به هیچ وجه افاده معنای درست نمی کند. از این جهت دیدگاه نخست که دیدگاه بیشتر نحویان است موجه خواهد بود.

از سوی دیگر، باید توجه کرد که معنای اصلی این ترکیب به لحاظ اینکه از ریشه «رأی» است، «دیدن» و یا معنای مجازی «دانستن» است، چراکه در بسیاری از موارد کاربرد آن، اموری که بعد از «أرأيت» ذکر شده قابل دیدن با چشم نیست، اما سخن به اینجا ختم نمی شود، بلکه معنای مجازی دومی برای این ترکیب ذکر شده است، به این ترتیب که نحویان و اهل بلاغت و تفسیر بسیار بر اینکه «أرأيت» به معنای «آخرنی» است، تصریح کرده اند. (حلبی، ۱۹۸۷م: ۶۲۱/۴؛ فرآء، ۱۹۸۳م: ۳۳۳/۱؛ زجاج، ۱۹۸۸: ۲۴۹/۳؛ زمخشری، بی تا: ۱۳/۲، ۳۶۶، ۳۹۶، ۴۲۱/۲، ۱۷۷/۳؛ استرآبادی، بی تا: ۲۸۲/۲؛ فیروز آبادی، ۱۹۸۷م: ۱۶۵۹) و برخی مفاد آن را «أعلمنی» که معنایی نزدیک به «آخرنی» است، دانسته اند (ابن فارس، ۱۹۸۴م: ۴۱۲؛ ابو حیان اندلسی، ۱۹۸۴م: ۵۱۰/۱) و اختلاف تعبیر اندک، ضرری به مفادی که از آن استفاده می شود نمی زند. در مقابل، بعضی دیگر از نحویان بر آن اند که «أرأيت» به معنای «أما» یا «تنبه» (حلبی، ۱۹۸۷م: ۶۲۳/۴) است. بر این اساس، در اینجا این سوال پیش می آید که در مواردی که «أرأيت» به معنای «أما» یا «تنبه» به کار رفته آیا از معنای «آخرنی» خارج شده و دیگر معنای «آخرنی» را نمی دهد، و یا همچنان بر معنای «آخرنی» باقی است و دو معنا را توأمان افاده می کند؟ در این باره دو دیدگاه مطرح است؛ ۱) برخی بر این دید تأکید دارند که در این صورت دیگر معنای «آخرنی» از آن استفاده نمی شود؛ ۲) برخی این دو معنا را مستفاد از این ترکیب دانسته و منافاتی بین این دو نمی بینند (حلبی، ۱۹۸۷م: ۶۲۳/۴؛ زمخشری، بی تا: ۳۹۶/۲؛ رازی، ۱۹۹۰م: ۱۴۸/۲۱). صرف نظر از این اختلاف، این ترکیب در تمامی موارد از معنای اصلی که «دیدن» و یا «دانستن» است خارج شده و از باب مجاز در معنای «آخرنی» و یا مشابه آن که ذکر شد، به کار رفته است. لیکن در پاسخ سؤال یاد شده می توان دیدگاه دوم را تقویت کرد و گفت که تعبیرهای مختلف: «آخرنی»، «أعلمنی»، «أما»، «تنبه»، افاده این معنا را می کنند که سخنی که بعد از «أرأيت» خواهد آمد سخن جدید و گسسته از قبل و نیز مطلب دارای اهمیتی است، لذا لازم است نسبت به آن توجه و هشدار داده شود، خواه با ذکر صریح آن که تعبیر «تنبه» پرده از آن برمی دارد؛ و یا به صورت غیر مستقیم که عدول از معنای دیدن و دانستن و به کاربردن دو تعبیر «آخرنی» و «أعلمنی» به جای آن، این معنا را افاده می کند؛ و یا با تعبیر «أما» که صریح در افاده گسست مطلب از قبل می باشد. بدین سان به نظر می رسد جمود بر اینکه دقیقاً معنای «أرأيت» یکی از این چهار معنا است، بدون دلیل و غیرموجه خواهد بود و در تفسیر این ترکیب به زبان عربی و یا برگردان آن به زبان فارسی، از هر گونه واژگان و یا عبارت و یا حتی اسلوبی که معنای ذکر شده را برساند، می توان استفاده کرد.

سخن پایانی در کاربرد این ترکیب درباره همزه استفهام آن است که مراد از آن، استفهام حقیقی نیست، زیرا استفهام حقیقی در مواردی کاربرد دارد که گوینده از حقیقت مطلب آگاه نباشد و بخواهد با

پرسش از کس دیگر بدان پی ببرد و از آنجا که گوینده «أرأیت» در تمام موارد ذکر شده در قرآن، خداوند است و خداوند علم به تمامی حقایق دارد قطعاً مراد از استفهام در مورد خدا، پرسش حقیقی بر طلب فهم نخواهد بود، اما اینکه کدام معنای مجازی در اینجا مراد است، برخی به اینکه در اینجا مقصود معنای مجازی تعجب است، تصریح کرده اند. (ابو حیان اندلسی، ۱۹۸۳: ۱۲۴/۴)

کارکرد تفسیری «أرأیت» و فروع آن

مجموع آیاتی که ترکیب «أرأیت» و فروع آن در قرآن به کار رفته، ۳۴ مورد است که در ادامه به بررسی تبیین معنای آنها در تفاسیر می پردازیم. لیکن پیشاپیش باید توجه کرد که مفسران در ذیل بیشتر آیات ۳۴ گانه به اینکه در این موارد «أرأیت» و فروع آن به معنای «أخبرنی» است، تصریح کرده اند، که از این میان، از موارد بسیار فقط به موارد زیر در ذیل که در تفسیر برخی از آیات یاد شده بدان تصریح شده، بسنده می شود: (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۵۰/۱۳؛ درویش، ۱۴۱۵: ۱۸/۷؛ ابوحیان، ۱۴۲۰: ۵۱/۱۰؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۴۱۱/۳؛ حقی برسوی، بی تا: ۳۰۸/۶؛ صابونی، ۱۴۲۱: ۱۷۳/۳؛ محلی، ۱۴۱۶: ۵۲۹؛ سمین، ۱۴۱۴: ۲۶۳/۶؛ طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۷/۲۶۶؛ دره، ۱۴۳۰: ۳/۲۹۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۱۱۵/۳؛ طبرسی، ۱۴۱۲: ۱۱۷/۲؛ بقاعی، ۱۴۲۷: ۴۵۸/۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۳۵۵/۱۴؛ شوکانی، ۱۴۱۴: ۴۰۷؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۹۴/۶؛ زمخشری، بی تا: ۷۷۷-۷۷۸).

بنابر این، در اینکه در این موارد «أرأیت» و فروع آن به معنای «أخبرنی» است، سخنی در میان نیست؛ زیرا چنین افاده ای به نقل قطعی و تایید ادیبان اعم از صرفیان و نحویان و اهل بلاغت و مفسران در جای جای کتابهای ادبی و تفسیری، نقلی متواتر از فهم زبان عربی است، لذا بدون تردید عرب از این ترکیب، معنای «أخبرنی» را می فهمیده است؛ لیکن آنچه مورد سخن و بحث است، این است که چگونه «أرأیت» معنای «أخبرنی» را می رساند و به عبارت دیگر وجه کاربرد «أرأیت» به جای «أخبرنی» چیست؟ در این باره برخی (شوکانی، ۱۴۱۴: ۴۱۱/۳) دلیل استعمال رؤیت به جای خبر دادن را در این نکته دانسته اند که دیدن یک چیز دلالت بر درستی خبر می کند: «لأن رؤية الشيء من اسباب صحة الخبر عنه». (شوکانی، ۱۴۱۴: ۴۱۱/۳) و برخی تصریح دارند که «أخبرنی» معنای مجازی از رؤیت است و علاقه این مجاز، علاقه سبب و مسبب است، زیرا «رؤیت» سبب اخبار از شیء است. بنابر این، از آنجا که رؤیت و دیدن شیء سبب اخبار از آن است، از اخبار به رؤیت تعبیر آورده شده است، و اطلاق سبب بر مسبب از باب مجاز مرسل بی هیچ تردید، امری رایج در زبان عربی است و از این جهت نیز مساله دارای اشکال نخواهد بود؛ لیکن اشکال بعدی این است که آیا «أرأیت» به معنای «أخبرنی» همچنان معنای حقیقی آن «آیا دیدی؟»، و یا معنای مجازی اولی آن «آیا دانستی؟» را افاده می کند، و یا بکلی منسلخ از آن است؟ در صورت نخست در واقع از نظر ادبی یک تضمینی رخ داده است، و در این صورت در معنا و تفسیر ترکیب باید هر دو معنا باید در نظر داشت، چنانکه مفهوم تضمین همین است، (سیوطی، بی تا: ۱۰۶/۱؛ حسن، ۱۳۶۷: ۵۲۲/۲) و سخن برخی مفسران در برابر عموم مفسران که «أرأیت» را در مواردی به «أخبرنی» همراه با معنای اولی «آیا دیدی؟» و یا «آیا دانستی؟» معنا کرده اند، از باب تضمین خواهد

بود. (ابن عادل، ۱۴۱۹: ۵۱۳/۱۰؛ سمین، ۱۴۱۴: ۱۱۰/۴)؛ اما در صورت دوم به لحاظ اینکه معنای حقیقی مراد نیست و معنای دوم مراد است، استعمال «رأیت» در «أخبرنی» از باب مجاز خواهد بود. واقعیت این است معنای ای که در دید نخست در مورد ترکیب مورد بحث به نظر می رسد، عبارت اند از:

۱. آیا دیدی/ می بینی، که معنای اولی اولی این ترکیب و به معنای دیدن با چشم است.
۲. آیا دانستی/ می دانی/ آیا هیچ توجه کرده ای،
۳. به من خبر ده،
۴. به من خبر ده آیا هیچ توجه کرده ای، که معنای دو وجهی و دارای وجه تضمین این ترکیب به شمار می آید.

چنانکه پیش از این اشاره شد، قطعا معنای نخست در این ترکیب مراد نیست، به ویژه آنکه مواردی که «رأیت» به کار رفته، از اموری نیست که بتوان با چشم دید. و معنای دوم که کاربرد «رأیت» از باب افعال قلوب است، به تصریح زبان دانانان عربی اعم از نحویان و مفسران، به تنهایی مقصود نیست؛ بنا بر این ماییم و داوری در مورد اینکه آیا این ترکیب صرفا در معنای «أخبرنی» کاربرد دارد و یا افزون بر معنای افعال قلوب، معنای «أخبرنی» در آن تضمین شده است؟ حقیقت این است که اصل عدم نقل از معنای اصلی و اصالت ظهور همین را اقتضا می کند، بنا بر این باید معنای دانستن را همراه با «أخبرنی» برای این ترکیب در نظر گرفت.

بررسی تفصیلی معنای اسلوب «رأیت» در آیات قرآن

واقعیت این است که معنای تضمینی مورد اشاره در مورد تمامی اسلوب های این ترکیب که در قرآن به کار رفته، معنای مناسب به نظر می رسد. اگرچه در پاره ای از موارد با ابهام هایی مواجه است که آن نیز با توجه به بحث های نحوی برطرف می گردد. در هر حال، مجموعه اسلوب های کاربرد «رأیت» در قرآن پنج گونه است:

- الف) مفعول اول جمله شرطیه، و مفعول دوم جمله استفهامی جزاء شرط؛
 - ب) مفعول اول موصول، و مفعول دوم جمله استفهامی؛
 - ج) مفعول اول اسم اشاره، و مفعول دوم جمله استفهامی؛
 - د) مفعول اول اسم ظاهر، و مفعول دوم جمله استفهامی.
- در ادامه تمامی موارد کاربرد «رأیت» در قرآن را طی عناوین یادشده مورد بررسی قرار می دهیم.

اسلوب اول: مفعول اول جمله شرطیه، و مفعول دوم جمله استفهامی جزاء شرط

آیاتی که بدون هیچ گونه تقدیر و حذف و تأویلی در ضمن این اسلوب می گنجد عبارت اند:

۱. «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَنْتُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَنْتُمْ السَّاعَةُ أَعْبَرِ اللَّهُ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ.» (انعام، ۴۰)

۲. «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَ أَبْصَارَكُمْ وَ خَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ.» (انعام، ۴۶)
۳. «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَنَاكُم عَذَابَ اللَّهِ بَعْتَهُ أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ.» (انعام، ۴۷)
۴. «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَنَاكُم عَذَابُهُ بَيِّنَاتٌ أَوْ نَهَاراً مَا ذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ.» (یونس، ۵۰)
۵. «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَ أَنَا نِي رَحْمَةً مِنْ عِنْدِهِ فَعَمَّيْتُ عَلَيْكُمْ أُ نُلْزِمُكُمْوهَا وَ أَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ.» (هود، ۲۸)
۶. «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَ أَنَا نِي مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتَهُ.» (هود، ۶۳)
۷. «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَداً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ.» (قصص، ۷۱)
۸. «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَداً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ.» (قصص، ۷۲)
۹. «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ.» (فصلت، ۵۲)
۱۰. «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ.» (ملک، ۳۰)
۱۱. «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكْنِي اللَّهُ وَ مَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمْنَا فَمَنْ يَجِيرُ الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ.» (ملک، ۲۸)

در این اسلوب به راحتی می توان کاربرد تضمین «أرأيت» را با جمله شرطیه و جزاء آن که یک جمله استفهامیه است، ارتباط داده و کل این اسلوب را این گونه معنا کرد: «به من خبر ده/دهید آیا هیچ توجه کرده اید که اگر ... باشد، چه ...؟» که در نقطه چین اول شرط، و در نقطه چین دوم جزاء، و در نقطه چین سوم، پرسشی از مخاطب «أرأيت» می نشیند. اگر این اسلوب با لهجه تعجب ادا شود، قطعاً تمامی مواردی که در تجزیه این اسلوب پیش از این بیان شد، برآورده گردیده و یک معنای صحیح خواهد بود.

لیکن در اسلوب شرطی موارد زیر دارای ابهام است که یکایک از نظر ادبی، بلاغی و تفسیری مورد بررسی قرار می گیرد و در پایان ترجمه متناسب ارائه خواهد گردید:

در آیه «أَفَرَأَيْتُ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ، ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ، مَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمَتَّعُونَ.» (شعراء، ۲۰۷-۲۰۵) اگر «ما» در «مَا أَغْنَى عَنْهُمْ» (شعراء، ۲۰۷) استفهامیه گرفته شود، مشکلی جزء عدم افتراق به فاء پیش نمی آید و مراد از استفهام در اینجا استفهام تقریری است که دقیقاً معنای نفی از آن فهمیده می شود. بنابراین، اگرچه «ما» استفهامی است، ولی معنای «ما» نافیه را افاده خواهد کرد؛ امری که برخی از مفسران بدان تصریح کرده اند. (طبری، ۱۹۸۸: ۷۱/۱۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۲۱/۷؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۴۱/۱۳؛ ابو حیان، ۱۴۲۰: ۱۹۸۳)؛ (۱۹۴/۸: ۱۹۴/۸؛ سمنین، ۱۴۱۴: ۲۹۰/۵)

در آیه «قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُمْ عَلَىٰ بَيْتِنَا مِنْ رَبِّي وَرَزَقْنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا.» (هود، ۸۸) می‌توان با تقدیر گرفتن جواب شرط به صورت استفهام به این صورت «فماذا لكم مع ربكم؟» (زجاج، ۱۴۱۶: ۴۰ / ۱) و یا «أفأعدل مع ذلك عما أنا عليه من عبادته؟» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۵ / ۲۸۶) و یا «أفيصح لي أن لا أمركم بترك عبادة الأوثان و الكف عن المعاصي؟» (زمخشری، بی تا: ۲ / ۴۲۰) یا «فهل يسع مع هذا الإنعام الجامع للسعادات الروحانية و الجسمانية أن أخون في وحيه، أو أخالفه في أمره و نهيه؟» (بیضاوی، ۱۴۱۸: ۳ / ۱۴۵)، آیه مورد بحث را با اسلوب رایج سازگار انگاشت.

در آیه «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِن كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ كَفَرْتُمْ بِهِ وَ شَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَأَمَنَ وَ اسْتَكْبَرْتُمْ إِنَّا اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ.» (احقاف / ۱۰) نیز جواب شرط محذوف است، که گفته شده است باید «ألستم ظالمين؟» (زمخشری، بی تا: ۴ / ۲۹۹؛ سمین، ۱۴۱۴: ۶ / ۱۳۶؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۵ / ۱۱۲) و مشابه آن (بغوی، بی تا: ۴ / ۱۹۳؛ بقاعی، ۱۴۲۷: ۷ / ۱۲۳) در تقدیر گرفته شود.

در آیه «أَرَعَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ» (علق، ۹) و آیه «أَرَعَيْتَ إِن كَانَ عَلَىٰ الْهُدَىٰ» (علق، ۱۱) و آیه «أَرَعَيْتَ إِن كَذَّبَ وَ تَوَلَّىٰ» (علق، ۱۳) در آیه اول و دوم جمله جزاء شرط به قرینه اینکه در جمله سوم ذکر شده است، که همان جمله استفهامی «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ» است، حذف گردیده است. (زمخشری، بی تا: ۴ / ۷۷۷-۷۷۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۵ / ۳۲۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۵ / ۴۰۵) اگر چه برخی دیگر در این مورد، «أَرَأَيْتَ» را به معنای دیدن با چشم (آیا دیدی؟) معنا کرده اند، و یا به معنای علمی (آیا دانستی؟) گرفته اند. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۵ / ۴۰۶؛ صابونی، ۱۴۲۱: ۱ / ۵۵۰) و برخی دیگر بین دو معنای یاد شده با معنای «أخبرني» جمع کرده و گفته اند منافاتی بین این دو نیست. (صابونی، ۱۴۲۱: ۱ / ۵۵۰)، که دقیقاً دیدگاه سوم در واقع، همان قول به تضمین است که با سایر موارد کاربرد این اسلوب نیز سازگاری دارد و دلیلی بر انحصار به معنای علم (آیا دانستی؟) نیست؛ چنانکه گذشت معنای دیدن با چشم (آیا دیدی؟) قطعاً در این موارد مهجور است.

اسلوب دوم: مفعول اول موصول، و مفعول دوم جمله استفهامی

در این اسلوب نیز سازگاری معنای تضمینی در مورد برخی آیات روشن است و نیاز به هیچ تقدیری نیست، این آیات عبارت اند از:

- «قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنْ رِزْقٍ فَجَعَلْتُمْ مِنْهُ حَرَامًا وَ حَلَالًا قُلْ اللَّهُ أَدْنَىٰ لَكُمْ أَمْ عَلَىٰ اللَّهِ نَتَفَرُّونَ، وَ مَا ظَنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَىٰ اللَّهِ الْكُذْبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا اللَّهُ لَا نُؤْتِيهِ فَضْلًا عَلَىٰ النَّاسِ وَ لَكِنَّا أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ.» (یونس، ۶۰-۵۹)
- «أَرَأَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَ قَالَ لَأُوتِينَ مَالًا وَ وُلْدًا، أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمْ أَخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا.» (مریم، ۷۸-۷۷)
- «قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مَنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّا أَرَادْنَاهُ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ.» (زمر، ۳۸)
- «أَرَأَيْتُمْ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ.» (جاثیه، ۲۳)

أَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ» (واقع، ۷۲-۷۱) نیز به روشنی روال گذشته جاری است. (سمین، ۱۴۱۴: ۲۶۳/۶؛ درویش، ۱۴۱۵: ۴۴۱/۹) و برخی مفسران صریحاً میان رؤیت به معنای بصری یا علمی با خبر دادن جمع کرده اند و آن را به «أخبرونی هل رأيتم بالبصر أو البصيرة» معنا کرده و بر گنجاندن دو معنا تصریح دارد. (بقاعی، ۱۴۲۷: ۴۱۵/۷، ۴۱۷، ۴۱۹ و ۴۲۰)

توضیح مربوط به آیه «أرأيت الذي ينهى» (علق، ۹) در ضمن عنوان الف)، آیات شماره ۱۶-۱۵ ذکر گردید.

در آیه «قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أُوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ» (کهف، ۶۳) اگر چه در نگاه نخست به نظر می رسد که «أرأيت» به معنای دیدن با چشم (آیا دیدی؟) است و جمله بعد از آن «إِذْ أُوَيْنَا» متعلق به آن است، ولی بزرگان ادب عربی و برخی مفسران قرآن با وجود آنکه تصریح به این کرده اند در خصوص این مورد، «أرأيت» را به معنای «أخبرنی» گرفته و منافاتی در تعلق جمله بعد به جمله ما قبل به عنوان ظرف ندیده و این دو جمله را مرتبط با هم و البته با تقدیر مفعول اول برای فعل «أرأيت» این گونه معنا و تفسیر کرده اند: «أرأيت ما دهانی»، «به من خبر ده که چه بر سرم آمد آن هنگام که پناه بردیم ...» (زمخشری، ۷۳۳/۲)؛ و یا آن را به معنا «اما» گرفته و دو جمله را این گونه معنا کرده اند: «اما آن هنگام که ...» (سمین، ۱۴۱۴: ۵۸/۳؛ ۴۷۰/۴؛ ابوحیان، ۱۴۲۰: ۵۰۹/۴) (مورد اخیر به نقل از اخفش)؛ ۲۰۲/۷؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۹۴/۶) در هر حال، باید دقت شود که برخلاف سخن برخی که معنای دوم را مخالف با معنای اول پنداشته اند، (ر. ک: خفاجی، ۱۴۱۷: ۲۰۳/۶)؛ چنانکه در بحث نحوی و بلاغی گذشت، منافاتی بین معنای «أخبرنی» و «اما» و «تنبه» نیست. با این حال، برخی در احتمال سوم حذف هر دو مفعول را محتمل داشته اند، به این صورت «أرأيت امرنا اذ اوينا ما عاقبته؟!» (ر. ک: خفاجی، ۱۴۱۷: ۲۰۳/۶) به نظر می رسد با این احتمال مشکل حل می شود، وگرنه صرفاً با تقدیر «ما دهانی» خواه «ما» استفهامیه باشد و یا «ما» موصوله، مشکل برطرف نمی گردد، زیرا در صورت اول، بنا بر اینکه دو مفعولی باشد، همچنان جای مفعول اول خالی است و باید چیزی در تقدیر گرفته شود تا با اسلوب رایج (مفعول اول موصول، و مفعول دوم جمله استفهامی) هماهنگ گردد؛ و در هر صورت دوم همچنان به جمله استفهامی نیاز است. و در هر حال، چنانکه پیش از این گذشت، منافاتی میان معنای «أخبرنی» و در نظر گرفتن معنای افعال قلوب برای «أرأيت» نیست، بنابراین معنای تضمینی همچنان محتمل قوی در معنای آیه خواهد بود.

اسلوب سوم: مفعول اول اسم اشاره، و مفعول دوم جمله استفهامی

در این آیه «قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَنُؤِخَّرْتَنِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لِأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِذْ أَقْبَلْتُ» (اسراء، ۶۲) عبارت «هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ» مفعول اول است و مفعول دوم استفهامی است که حذف شده است و لذا باید در تقدیر گرفته شود، که عبارت است از: «لِمَ كَرَّمْتَهُ عَلَيَّ وَأَنَا خَيْرٌ مِنْهُ؟» (زمخشری، بی تا: ۶۷۷/۲) و یا مشابه آن (طوسی، بی تا: ۴۹۶/۶؛ بیضاوی، ۱۴۱۸: ۲۰۳/۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۸۷/۱۰؛ ابوحیان، ۱۴۲۰: ۱۹۸۳)؛ ۷۸/۷؛ سمین، ۱۴۱۴ (۱۹۸۷): ۴۰۴/۴؛ بقاعی، ۱۴۲۷: ۴۰۲/۴).

اسلوب چهارم: مفعول اول اسم ظاهر، و مفعول دوم جمله استفهامی

جریان معنای تضمینی در تمامی موارد کاربرد این اسلوب در قرآن به روشنی جریان دارد. به این صورت «به من خبر ده/ دهید، آیا هیچ توجه کرده اید که ... را ...؟!» که به جای نقطه چین اول، اسم ظاهر به معنای مفعولی و به جای نقطه چین دوم، جمله استفهامی که مفاد آن سؤال در مورد اسم ظاهر می باشد. این موارد عبارت اند از: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَا ذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ.» (فاطر، ۴۰) و «أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ، وَمَنَاةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ، أَلَكُمُ الذَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ.» (نجم، ۱۹-۲۱). توضیح مربوط به آیه «أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ.» (واقعه، ۶۸)، و آیه «أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ.» (واقعه، ۷۱) در ذیل دو آیه واقعه، ۵۸ و ۶۳ گذشت.

نتیجه گیری

نتیجه بحث گذشته در تبیین معنای تعبیر شگفت انگیز «أَرَأَيْتَ» و فروع آن از نظر صرفی، نحوی و بلاغی و تفسیری در کاربرد قرآنی آن این است که این تعبیر باید به گونه ای فهم و تفسیر و معنا و ترجمه گردد که: (۱) نوع مخاطب آن که ضمیر خطاب از آن پرده برمی دارد، نمایان گردد؛ (۲) ماده «رأی» را به معنای «دیدن» و «دانستن» و مشابه آن نباید معنا کرد، بلکه باید با ترجمه یک دست و یا استفاده از تفتن در عبارت، آن را به گونه ای معنا کرد که معنای «آخرنی» و یا مشابه آن را همراه با معنای «علمت» از افعال قلوب «به من خبر ده/ به من خبر دهید، آیا هیچ توجه کرده اید؟!» افاده کند؛ (۳) این ترکیب باید به گونه ای معنا و تفسیر شود که افاده تعجب کند و اگر استفاده از این روش امکان پذیر نبود، ناگزیر باید با استفاده از علائم معنای تعجب «!» گنجانده شود؛ (۴) صیغه «أَرَأَيْتَ» اگرچه به صورت فعل ماضی است، ولی با توجه به اینکه در اسلوب جدید، دیگر معنای ماضی را نمی رساند، هرگز نباید آن را به معنای «آیا دیدی» که افاده گذشته و ماضی را می کند، معنا و تفسیر کرد. بنا بر این، تنها معنای این ترکیب و فروع آن در قرآن کریم به قید همراهی با همزه استفهام و کاف خطاب و یا فقط همزه استفهام، با توجه به تفاوت مخاطبان یکی از دو تعبیر: هان به من خبر ده، هان به من خبر دهید! که آیا هیچ توجه کرده ای، کرده اید؟! می باشد و با این گونه تفسیر تمامی نکات صرفی، نحوی، بلاغی و تفسیری که نقش اساسی در پرده برداری از کشف مراد جدی گوینده کلام در تفسیر قرآن دارد، رعایت خواهد شد، و فهم و معنا کردن و یا برگردان آن به معنای اصلی «آیا دیدی؟» و یا معنای مجازی اول «آیا دانستی؟» و صرف «به من خبر ده» و یا «هان!» و معانی دیگر مشابه آن بر خلاف فهم زبان دانان عربی و غیر موجه خواهد بود.

کتابنامه

قرآن کریم

آلوسی، محمود بن عبدالله، (۱۴۱۵ ه.ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، اول، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

- ابن فارس، أبو الحسين أحمد، (۱۴۰۴هـ/۱۹۸۴م). **معجم المقاييس اللغة**، تحقيق زهير عبدالمحسن سلطان، اول، بيروت: مؤسسة الرسالة.
- ابن هشام أنصاري، أبو محمد جمال الدين عبدالله بن يوسف، (۱۳۹۹هـ/۱۹۷۹هـ). **مغنى اللبيب عن كتب الأعراب**، تحقيق مازن المبارك، و محمد على حمدالله، مراجعة سعيد الأفغاني، پنجم، بيروت: دار الفكر.
- ابن عاشور، محمداطاهر، (۱۴۲۰ هـ.ق). **تفسير التحرير و التنوير المعروف بتفسير ابن عاشور**، اول، بيروت: مؤسسة التاريخ العربي.
- ابو حيان، محمد بن يوسف، (۱۴۲۰ هـ.ق). **البحر المحيط في التفسير**، اول، بيروت: دار الفكر.
- ابوالسعود، محمد بن محمد، (۱۹۸۳ م). **تفسير ابي السعود** (ارشاد العقل السليم الى مزايا القرآن الكريم)، اول، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- اخفش، سعيد، (۱۴۰۵هـ/۱۹۸۵م). **معاني القرآن**، تحقيق عبدالأمير محمد أمين الورد، اول، بيروت: عالم الكتب.
- ازهرى، محمد، (۱۳۹۶هـ/۱۹۷۶م). **تهذيب اللغة**، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، اول، القاهرة: مكتبة الخانجي.
- استرآبادى، رضى، (بى تا). **شرح الرضى على الكافية**، بيروت: دار الكتب العلمية.
- بغوى، خالد عبدالرحمن العك، (بى تا). **معالم التنزيل في تفسير القرآن (تفسير البغوى)**، بيروت: دار المعرفة.
- بقاعى، ابراهيم بن عمر، (۱۴۲۷ هـ.ق). **نظم الدرر في تناسب الآيات و السور**، سوم، بيروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد على بيضون.
- بيضاوى، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ هـ.ق). **أنوار التنزيل و أسرار التأويل (تفسير البيضاوى)**، بيروت: دار إحياء التراث العربي.
- ثعلب، احمد، (۱۳۶۸هـ/۱۹۴۹م). **مجالس ثعلب**، تحقيق عبدالسلام محمد هارون، مصر: دار المعارف.
- حسن، عباس، (۱۳۶۷ هـ.ش). **النحو الوافى مع ربطه بالأساليب الرفيعة و الحياة اللغوية المتجددة**، دوم، تهران: ناصر خسرو.
- حقى برسوى، اسماعيل بن مصطفى، (بى تا). **تفسير روح البيان**، اول، بيروت: دار الفكر.
- خفاجى، احمد بن محمد، (۱۴۱۷). **حاشية الشهاب المسماة عناية القاضى و كفاية الراضى على تفسير البيضاوى**، ۹ جلد، دار الكتب العلمية، منشورات محمد على بيضون - لبنان - بيروت، چاپ: ۱.
- الدايل، دكتور عبدالله بن حمد، مقاله «رأيت» و فروعها: دراسة لغوية، مجلة جامعة أم القرى شماره ۲۳. دره، محمد على طه، (۱۴۳۰ هـ.ق). **تفسير القرآن الكريم و اعرابه و بيانه**، اول، بيروت: دار ابن كثير.
- درويش، محى الدين، (۱۴۱۵ هـ.ق). **اعراب القرآن الكريم و بيانه**، الارشاد، چهارم، سوريه، حمص.
- رازى، فخر الدين محمد، (۱۴۱۰هـ/۱۹۹۰م). **تفسير الفخر الرازى**، المشتهر بالتفسير الكبير و مفاتيح الغيب، بيروت: دار الفكر.
- راغب اصفهاني، حسن، (بى تا). **المفردات في غريب القرآن**، تحقيق محمد سيد كيلانى، بيروت: دار المعرفة.
- زجاج، ابراهيم بن سرى، (۱۴۱۶ هـ.ق). **اعراب القرآن**، سوم، قم، دار التفسير.
- زجاج، ابراهيم، (۱۴۰۸هـ/۱۹۸۸م). **معاني القرآن و اعرابه**، تحقيق عبدالجليل عبده شلبى، اول، بيروت: عالم الكتب.
- زمخشري، محمود، (بى تا). **الكشاف عن حقايق غوامص التنزيل و عيون الاقاويل في وجوه التاويل**، بيروت: دار المعرفة.

- سمین حلبی، احمد (۱۴۱۴ ه.ق). **الدر المصون فی علوم الکتاب المکنون**، اول، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، (بی تا). **الأشباه و النظائر فی النحو**، دوم، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- شوکانی، محمد، (۱۴۱۴ ه.ق). **فتح القدير**، اول، دمشق: دار ابن کثیر.
- صابونی، محمد علی، (۱۴۲۱ ه.ق). **صفوة التفاسیر**، اول، بیروت: دار الفکر.
- صافی، محمود، (۱۴۱۸ ه.ق). **الجدول فی إعراب القرآن و صرفه و بیانه مع فوائد نحویة هامة**، چهارم، دمشق: دار الرشید.
- طباطبای، محمدحسین، (۱۳۹۰ ه.ق). **المیزان فی تفسیر القرآن**، دوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ ه.ش). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، سوم، تهران: ناصر خسرو.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۲ ه.ق). **تفسیر جوامع الجامع**، اول، قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت.
- طبری، محمد، (۱۴۰۸هـ/۱۹۸۸م). **تفسیر الطبری (جامع البیان عن تأویل آی القرآن)**، بیروت: دار الفکر.
- طوسی، شیخ محمد بن حسن، (بی تا). **التبیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عبدالباقی، محمد فؤاد، (۱۴۱۲هـ/۱۹۹۲م). **المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم**، سوم، بیروت: دار المعرفة.
- عکبری، عبدالله، (۱۳۹۷هـ/۱۹۷۶م). **التبیان فی إعراب القرآن**، تحقیق علی محمد البجاولی، مصر: عیسی البابی الحلبي و شرکاه.
- فرّاء، یحیی، (۱۴۰۳هـ/۱۹۸۳م). **معانی القرآن**، سوم، بیروت: عالم الکتب.
- فیروز آبادی، محمد، (۱۴۰۷هـ/۱۹۸۷م). **القاموس المحيط**، تحقیق مکتب تحقیق التراث، دوم، بیروت: مؤسسه الرسالة.
- قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴ ه.ش). **الجامع لأحكام القرآن**، تهران: ناصر خسرو.
- میرد، محمد، (بی تا). **المقتضب**، تحقیق محمد عبدالخالق عظیمه، بیروت: عالم الکتب.
- محلی، محمد بن احمد، (۱۴۱۶ ه.ق). **تفسیر الجلالین**، اول، بیروت: مؤسسه النور للمطبوعات.
- مصطفوی، حسن، (بی تا). **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، سوم، بیروت، قاهره، لندن: دارالکتب العلمیة.
- نحاس، احمد، إعراب القرآن، (۱۴۰۵هـ/۱۹۸۵م). **تحقیق زهیر غازی زاهد**، دوم، مصر: عالم الکتب، مکتبه النهضة العربیة.

COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: روحی برندق کاووس، ارائه چارچوبی برای تفسیر و برگردان اسلوب «أرأیت» و فروع آن در قرآن کریم؛ تحلیل ادبی، بلاغی و تفسیری، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۳، شماره ۵۱، پاییز ۱۴۰۱، صفحات ۱۰۰-۸۷.